

پل اسٽر و جی.ام. کوٽسی
خجسته کیهان

رفقای خیالی

آنگار جی. ام. کوئتزس
 سرزمین غروب
 در قلب سرزمین
 در انتظار بویها
 زندگی و زمانهای مارکس ک
 دشمن
 سینه نویسی
 عصر آهن
 تکرار نکته، مقالات و مصاحبه ها
 مؤسسه‌ی نشر افق طبق قانون بین‌المللی «حق انحصاری نشر اثر» (Copyright)
 و از طریق عقد قرارداد با نویسندگان اصلی (J.M.Coetzee و Paul Auster)
 امتیاز ترجمه‌ی فارسی کتاب Here And Now را خریداری کرد.
 زندگی حیوانات
 روزهای
 ساحل‌های ناشناخته مقالات ۱۹۹۹
 جوانی
 ایوانیت کانتورو
 مرد کتله
 کارکردهای غروب
 خاطرات یک سال بد
 تابستان
 تالیفات
 تالیفات
 تالیفات

پل عزیز

مدتی بود به رفاقت فکر می‌کردم، اینکه دوستی چگونه ایجاد می‌شود، چرا مدت‌ها ادامه می‌یابد - بعضی از دوستی‌ها - بسیار بیش از علاقه‌ی پرشوری که گاه (به خطا) گمان می‌رود تقلید کم‌رنگی از آن باشد. خیال داشتم برایت نامه‌ای درباره‌ی همه‌ی این‌ها بنویسم، در آغاز با بیان این دیدگاه که دوستی در زندگی اجتماعی، به ویژه در دوران کودکی، برای مان چقدر ارزشمند است. کمبود مطالبی که در این باره نوشته شده تعجب‌آور است.

ولی بعد از خود پرسیدم آیا واقعاً چنین است؟ این بود که پیش از شروع، به کتابخانه رفتم تا بررسی سریعی انجام دهم و با کمال تأسف پی بردم در اشتباه بوده‌ام. در کاتالوگ کتابخانه شمار بسیاری کتاب درباره‌ی دوستی فهرست شده بود که بسیاری تازه منتشر شده بودند. اما وقتی برای ادامه‌ی تحقیق به این کتاب‌ها نگاهی انداختم، بار دیگر اندکی از اعتماد به نفسم را به دست آوردم. هرچه باشد حق با من بود، البته تا حدودی: بیشتر چیزهایی که درباره‌ی دوستی در این کتاب‌ها نوشته شده، جالب نبود. ظاهراً دوستی مقوله‌ای رازآلود است: اهمیتش برای مان روشن است، اما برای پی بردن به

دلایل ایجاد رفاقت میان آدم‌ها و عوامل بقای آن، به حدس و گمان دست می‌زنیم.

(اینکه می‌گویم آنچه درباره‌ی دوستی نوشته شده جالب نیست، چه مفهومی دارد؟ دوستی را با عشق مقایسه کن. درباره‌ی عشق می‌توان صدها مطلب جالب بیان کرد. مثلاً اینکه: مردها عاشق زنانی می‌شوند که یادآور مادرشان‌اند، یا بهتر بگویم، در عین حال آن‌ها را به یاد مادرشان می‌اندازند و نمی‌اندازند، زن‌هایی که عین مادرهای‌شان هستند و نیستند. نه؟ شاید، شاید هم نه. جالب است؟ قطعاً. حالا برگردیم به دوستی. مردها چه کسانی را برای دوستی برمی‌گزینند؟ مردان دیگری که تقریباً هم‌سن خودشان باشند و علایق مشترکی داشته باشند، مثلاً کتاب‌خوان باشند. درست است؟ شاید. جالب است؟ البته که نه.)

حالا چندتا از اظهارنظرهای جالب را که محصول تحقیقم در کتابخانه است فهرست وار می‌آورم.

— ارسطو می‌گوید با اشیاء بی‌جان نمی‌توان طرح دوستی ریخت (کتاب اخلاق، فصل هشتم). البته! مگر کسی خلاف آن را گفته؟ با این حال جالب است: آدم ناگهان به منبع الهام فلسفه‌ی مدرن زبان‌شناسی پی می‌برد. ارسطو دوهزار و چهارصد سال پیش نشان داد آنچه از جمله اصول پذیرفته‌شده‌ی فلسفه به نظر می‌آید، به جز قواعد دستور زبان چیز دیگری نیست. او می‌گوید در جمله‌ی «من با ایکس دوست هستم»، ایکس باید اسم موجودی زنده باشد.

— چارلز لمب^۱ می‌گوید می‌شود بی‌آنکه نیاز به دیدار با آن‌ها داشته باشی، دارای دوستانی باشی. صحیح است، جالب هم هست، نمونه‌ی دیگری که

1. Charles Lamb

نشان می‌دهد احساسات دوستانه شباهتی به روابط شهوانی ندارند. دوست‌ها یا دست‌کم رفقای مذکر در کشورهای غربی، درباره‌ی احساسات‌شان نسبت به یکدیگر صحبت نمی‌کنند. با پرچانگی عشاق مقایسه‌اش کن. تا اینجا چندان جالب نبود. با این حال پس از مرگ یک رفیق چه سیلابی از اندوه: «افسوس که خیلی دیر شده!» (مونتین^۱ درباره‌ی لا بوئسی^۲، میلتون درباره‌ی ادوارد کینگ). (سؤال: آیا پرچانگی عشق به این خاطر است که اشتیاق دارای طبیعتی دوگانه و تردیدآمیز است - سونت‌های شکسپیر - درحالی‌که کم حرفی در دوستی از این روست که احساس دوستی به دور از دوگانگی و ساده و روشن است؟)

و در آخر نکته‌ای که کریستوفر تیتجنز^۳ در کتاب پایان جشن خیابانی اثر فورد مدوکس فورد^۴ می‌گوید: برای این با یک زن روابط نزدیک پیدا می‌کنیم تا بتوانیم با او صحبت کنیم. مفهوم ضمنی: تبدیل یک زن به معشوقه نخستین گام است؛ درحالی‌که آنچه اهمیت دارد گام بعدی است، یعنی تبدیل او به یک دوست و این کار ناممکن است مگر با او باشی؛ در غیر این صورت فضا همچنان پراز ناگفته‌هاست.

اگر واقعاً بیان حرف‌های جالب درباره‌ی دوستی چنین دشوار باشد، ذکر نکته‌ای روشن‌گر ممکن می‌شود: اینکه رفاقت برخلاف عشق یا سیاست که هرگز آنچه می‌نمایند نیستند، همان است که ظاهراً به نظر می‌آیند. رابطه‌ی دوستی شفاف است.

جالب‌ترین اندیشه‌ها درباره‌ی دوستی، از دنیای باستان می‌آیند. چرا؟ چون به نظر مردم آن دوران مواضع فلسفی ذاتاً بر شک و تردید استوار نبود، از این رو گمان نمی‌بردند دوستی حتماً خلاف چیزی است که ظاهراً می‌نماید

1. Montaigne
3. Christopher Tietjens

2. La Boétie
4. Ford Madox Ford